

معجون عشق

گفت و گوی یوسف علیخانی با

ر. اعتمادی

فہیمہ رحیمی

امیر عشیری

پری نوش صنیعی

نازی صفوی

مریم ریاحی

حسن کریم پور

تکین حمزہ لو

مریم جعفری

فریدہ شجاعی

مژگان مظفری

سیمین شیردل

مہر نوش صفایی

نرگس جورابچیان



گفت وگوها

- ۷ که عشق آسان نمود اول
- ۹ ر. اعتمادی نویسنده رمان «کفش های غمگین عشق»
- ۳۹ فهیمه رحیمی نویسنده رمان «اتوبوس»
- ۶۷ امیر عشیری نویسنده رمان «جاسوسه چشم آبی»
- ۸۷ پری نوش صنیعی نویسنده رمان «سهم من»
- ۱۱۳ نازی صفوی نویسنده رمان «دالان بهشت»
- ۱۳۷ مریم ریاحی نویسنده رمان «همخونه»
- ۱۶۱ حسن کریم پور نویسنده رمان «باغ مارشال»
- ۱۸۵ تکین حمزه لو نویسنده رمان «افسون سبز»
- ۲۱۳ مریم جعفری نویسنده رمان «گل های شب بو»
- ۲۴۱ فریده شجاعی نویسنده رمان «امانت عشق»
- ۲۵۳ مژگان مظفری نویسنده رمان «ماهک»
- ۲۷۷ سیمین شیردل نویسنده رمان «آرام»
- ۲۹۳ مهرنوش صفایی نویسنده رمان «عَشَنَقه»
- ۳۲۱ نرگس جورابچیان نویسنده رمان «به وقتِ بهشت»

... که عشق آسان نمود اول

همه ماجرا با یک کنجکاوی شروع شد. صبح یک روز پاییزی شروع کردم به خواندن رمانی و وقتی به خودم آمدم که دیدم دو روز است مشغول خواندنم و شادم از خواندنش. بعد رمان دیگری را خواندم که وقتِ مرگی شخصیت اصلی، صورتم گرم شد و اشک همین‌طور سرازیر. بعد رمانی دیگر و بعد رمانی دیگر.

روزهای بعد همین‌طور افتادم به کتاب‌فروشی‌ها و از «دالان بهشت» گرفته تا «سهم من»، از «نسل عاشقان» گرفته تا «همخونه» تا «اتوبوس» و بعد «باغ مارشال» و... همه و همه را مثل لذتی تمام برای زندگی‌ام خریدم.

وقتی خواندن این کتاب‌ها تمام شد، کنجکاوی دیگری آغاز شد و با خودم گفتم «سال‌ها از سال‌های مدرسه و خواندن زیر میزی کتابی مثل اتوبوس و ساکن محله غم می‌گذرد. چه عاملی باعث شد، دوباره این رمان‌ها که بارها نادیده گرفته‌بوم‌شان، دوباره بیایند و چیده بشوند روی میز کارم؟»

به تیراژهای اندک بسیاری از رمان‌ها و مجموعه داستان‌ها فکر می‌کردم و بعد تیراژهای فراوان و تجدیدچاپ‌های خیره‌کننده کتاب‌هایی که به دستم می‌رسید. برایم جالب بود که چطور می‌توان این اندازه بی‌انصاف بود که اصطلاح «ادبیات عامه‌پسند» را برابر کرد با «ادبیات مبتذل» بدون توجه به مغز کلمات که «عامه‌پسند» یعنی «مردم‌پسند» و ادبیات عامه‌پسند مساوی می‌شود با ادبیات مردم‌پسند؟

با اولین نویسنده از این سری کتاب‌ها که تماس گرفتم، ظهری نگذشته، نشستیم به گفت‌وگو. بعد نویسنده دیگر و نویسنده دیگر و بعد نویسنده‌ای دیگر.

دوست داشتم بسیاری دیگر هم باشند اما کسانی بودند که خود مایل به گفت‌وگو نبودند و نیامدند. گروهی دیگر هم بودند که اگر عمری باقی بماند، به عنوان نسل جدید پرفروش‌ها به سراغ‌شان خواهم رفت.

«مینا فرشی‌احمدی» به کمک آمد و گفت‌وگوها را از روی فایل‌های صوتی روی کاغذ آورد.

تمامی گفت‌وگوها در مرحله پایانی به نویسنده‌هایشان تحویل داده شد تا ببینند و حک و اصلاحی اگر دارند، اعمال کنند، که کردند و امضا کردند پای گفته‌هایشان را.

اینجا می‌ماند تشکر کنم از آقای منیری مدیر نشر پرسمان، آقای رحیمی مدیر نشر شادان، آقای مروارید مدیر نشر اوحدی، احمد تهوری، روابط عمومی نشر ققنوس و دوستانم علی‌الله سلیمی، داود پنهانی، امید بی‌نیاز، مریم آموسا، علیرضا روشن، لیلا اسدیان، ایرنا محی‌الدین‌تَناب، محمد حسینی، علی دهباشی، علی خدایی، محمد شریفی‌نعمت‌آباد، سیدمحسن بنی‌فاطمه، علی چنگیزی، پریسا برازنده، سیدحسین محمدی حسینی‌نژاد، الاهی دهنوی، سعید سبزیان، پروانه توکلی، علی اصغر شیرزادی، مجید عبداللهی و... که هر کدام به گونه‌ای یاری‌ام دادند در پیدا کردن نویسنده‌های این مجموعه.

مقدمه‌ای ۳۵ صفحه‌ای نوشته بودم برای آغاز این کتاب که در پایان کار، از انتشار آن صرف‌نظر کردم و بسنده کردم به این کوتاه بر پیشانی معجون عشق. به این باور رسیده‌ام که یک بار هم شده بدون پیش‌داوری، پای صحبت نویسندگانی بنشینیم که عاشقند و عشق، چرخ حرکت‌شان است به سوی خواننده‌ها.

یوسف علیخانی

زمستان ۱۳۸۸ - تهران

گفت‌وگو بار. اعتمادی

«همینگوی» و «حافظ» هم عامه‌پسندند